

## پاسخ نهضت آزادی ایران

### به افتراآت و اظهارات آقای هاشمی رفسنجانی در خطبهٔ جمعه ۶۵/۷/۱۱

و ان عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به و لئن صبرتم فهو خیر  
للصابرین<sup>۱</sup>

آقای هاشمی رفسنجانی در خطبهٔ نماز جمعه یازدهم مهرماه جاری در دانشگاه تهران، علیرغم آنکه کتاب و سنت، ذکر خدا، دعوت به تقوی و توجه به مصالح دینی و دنیایی مسلمانان را وظیفه امام جمعه و جزئی از خطبه‌ها قرار داده است، یکبار دیگر در میدان تحریف حقایق پیشتاز شده‌اند و مخالفان سیاسی و ملیون یا به تعبیر خودشان "دشمنان واقعی ما (ایشان) که مدافع واقعی هستند و چهرهٔ اسلامی و دلسوز انقلاب می‌گیرند و در داخل حرف می‌زنند" را به باد دشنام و تهمت و افترا گرفتند و با تعابیر ناروایی همچون "لیبرال" و "چهره‌بازان و دلسوزان دروغین انقلاب"، "دشمن حزب اللهیان"، "ظاهر الصلاح‌ها"، "خناس‌ها" و طرفداران رهایی جنگ بدون دریافت غرامت، خطبه نماز جمعه را به خطابه ناجوانمردانه‌ای علیه مخالفان سیاسی خود تبدیل نمودند و با زیر پا نهادن دستور محکم الهی "و لا یجرمنکم شتآن قوم علی ان لاتعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی"<sup>۲</sup> عدالت خود را به نمازگزاران جمعه و کسانی که سخنان ایشان را از رادیو و تلویزیون می‌شنوند نشان دادند.

چه خوب بود آقای رفسنجانی به جای کلی‌گویی و اشارات مبهم شهادت کافی و تقوی و صداقت لازم داشته مطالب خود را روشن بیان می‌کردند و با تأسی به رهبر انقلاب، قرآن و برهان را مبنای برخورد با نظرات نهضت قرار می‌دادند و راههای ابهام و اعوجاج و اتهام را انتخاب نمی‌کردند. در هر حال ایشانند که در این شرایط حساس، طرح دعوی و آغاز جدال نموده و برخلاف میل باطنی، ما را به پاسخگویی مجبور ساخته‌اند. ما علاقمند نیستیم به دفاع از خود یا معاقبه به مثل که حق مشروعمان است، به جواب گفتن مبادرت ورزیم بلکه با در نظر گرفتن وضع بحرانی کشور ترجیح می‌دهیم از این حق صرف‌نظر کرده در برابر این حملات ناجوانمردانه صبر کنیم و در راه مقدسی که در پیش گرفته‌ایم برای بالاتر از این هم آماده باشیم. ولی نگران آن هستیم که سکوتمان علامت رضا و دلیلی بر صحت مطالب و اتهامات وارده تلقی گردد و انحرافات و القائات مربوط به جنگ که بزرگترین ابتلا و مصیبت برای ایران و اسلام شده است

۱. و اگر مورد آزار و عقاب قرار گرفتید به همان اندازه معاقبه یا مقابله به مثل کنید و اگر پایداری و تحمل نمائید این کار حتماً به سود صبرکنندگان است.

۲. نباید دشمنی با گروهی شمارا به بی‌عدالتی وادار کند. عدالت پیشه کنید که آن به تقوی نزدیکتر است.

جای حقایق و واقعیات را بگیرند. در هر حال با پوزش توضیحاتی را به اطلاع مردم شریف ایران می‌رسانیم تا پس از شنیدن مطالب ما و ایشان به قضاوت بنشینند و با دنبال کردن بهترین گفتارها مشمول بشارت الهی گردند.<sup>۱</sup>

به امید رسیدن و رساندن به این بشارت و هدایت ذیلاً چهار قسمت از بیانات آقای رفسنجانی در خطبه فوق را عیناً نقل نموده و سپس درباره آنها توضیح می‌دهیم:

۱- «یکی از اینها (در پاریس) پیش امام رفته بود و به امام گفته بود اصرار نکنید که شاه باید برود». «این نمی‌شود امام فرموده بودند چاره‌ای نیست ما غیر از این نمی‌توانیم، اگر شاه بماند همه فسادها می‌ماند، این آقا به امام گفته بود که معنای این حرف شما این است که یعنی امریکا برود. امام فرموده بودند بله، امریکا هم باید برود که پاشده و برگشته بود».

جل الخالق...

هنوز ما زنده‌ایم، رهبر انقلاب هم حی و حاضرند و اسناد مربوط به آن روزها چاپ و منتشر شده و در دست مردم است ولی آقای هاشمی بدون اعتنا به آنچه همه می‌دانند القاء شبهه می‌کنند و تهمت می‌زنند. دبیرکل نهضت آزادی ایران علاوه بر آنکه در دادگاه نظامی سران نهضت در سال ۴۲ مخالفت شدید خود را با شاه و استبدادش اعلام نمودند<sup>۲</sup> نخستین کسی بودند که در داخل کشور علناً اعلام داشتند که شاه باید برود. ابتدا در مصاحبه اردیبهشت ۵۷ (ماه مه ۱۹۷۸) با مخبر تلویزیون بلژیک که در اروپا و امریکا پخش گردید در پاسخ این سؤال که:

«بنظر شما بین رژیم فعلی و آزادی سازگاری وجود ندارد»، گفتند: کاملاً همینطور است بایستی یکی از این دو فدای دیگری شود... تا هنگامی که اعلیحضرت در این مملکت هست ایران روی آزادی خواهد دید.<sup>۳</sup>

جالب اینجاست که در آن روزها هم مانند امروز، کسانی می‌کوشیدند علیه نهضت جوسازی کنند. لذا هنگامی که رهبر انقلاب در اعلامیه سیزدهم تیرماه ۵۷ نست به «آنان که اخیراً برای جلب منافع شخصی یه جنب و جوش افتاده و می‌خواهند نهضت اسلامی را آلوده کنند و شاه را مصون نگه دارند» هشدار دادند، مخالفان نهضت تبلیغ نمودند که اشاره مقام رهبری به نهضت آزادی ایران است ولی امام در پیامی که در تاریخ اول شهریور ماه ۱۳۵۷ به نهضت آزادی خارج از کشور ارسال داشتند با اشاره به مصاحبه نامبرده به این لاطائلات چنین پاسخ گفتند:

«صریحاً اعلام می‌دارم که این بند مربوط به کسانی است که نهضت اصیل ایران را به امر سیاسی غیراسلامی ترسیم می‌نمایند که نتیجه‌اش حفظ شاه است نه کسانی که در نوشته‌ها و مصاحبات خود شاه را محکوم و ایران را بر سر دوراهی «آزادی» یا «شاه» قرار می‌دهند و نه کسانی که در طول مبارزات در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود پیوستگی و همگامی خود را با اسلام و انزجار و تبری خود را از رژیم منحط پهلوی اعلام نموده‌اند»<sup>۴</sup>

۱. فیشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه (سوره زمر آیه ۱۸)

۲. مدافعات مهندس بازرگان در دادگاه نظامی - بخش دوم محاکمه استبداد صفحات ۲۴۹-۲۱۴

۳. صفحاتی از تاریخ معاصر جلد ۱۱ صفحه ۳۲۲ چاپ اول، ۱۳۶۲.

۴. صحیفه نور، جلد دوم، صفحه ۹۴- انتشارات وزارت ارشاد اسلامی

علاوه بر مصاحبه فوق نهضت آزادی ایران در بیانیه "راه نجات از بن‌بست حاضر" که در تاریخ ۶ شهریور ماه ۱۳۵۷ منتشر شده چنین نوشت:

در شرایط آشتی‌ناپذیر حاکم برای خروج از بن‌بست وحشتناک حاضر منطقی‌اً دو راه حل بیشتر قابل تصور نیست:

۱- ملت تا آخرین فرد ارزنده‌اش در زیر ساطور سلطنت نابود شود.

۲- شاه برود...

اما ملت چرا نابود شود...

با ماندن شاه هیچ کاری چاره نخواهد شد و راه حل مفیدی نخواهد یافت اما با استعفا و رفتن ایشان مملکت از بن بست بیرون آمده چاره‌جویی‌هایی امکان‌پذیر خواهد شد.<sup>۲</sup>

۲- "شاه حتی امریکا رفته بود اینها دنبالش نوشتند که بیا برگرد اینجا با هم می‌توانیم چه بکنیم."<sup>۳</sup>

با اینکه آقای هاشمی رفسنجانی در نامه‌ای خصوصی در تاریخ ۶۲/۸/۱۸ ضمن یک سلسله تهدید و توهین همین مطلب را به آقای مهندس بازرگان نوشته بودند و در همان ایام پاسخ کتبی مستدل و مفصل به ایشان داده شده بود باز هم در خطبه نماز جمعه دچار و سوسه نفس گردیده کوشیده‌اند مخالفان اصولی ادامه جنگ را با این مطالب نادرست لکه‌دار سازند.

در اینجا لازم است قسمتهایی از پاسخ به نامه خصوصی مزبور را ذیلاً نقل کنیم.

"نامه به شاه، برخلاف تصور یا تهمت آقای هاشمی این نبود که به ایران برگردد و در میان ملت زندگی کند. چنین پیشنهاد اصولاً نامعقول و شوخی می‌تواند باشد بلکه برگردد و خود را تسلیم دادگاه عدل ملت ایران نماید و هر رأیی که از طرف دادگاه صادر شد بپذیرد. حاج احمد آقا (خمینی) هم رابط بود که نظر امام را جویا شود و ایشان هم نظر موافق امام را اطلاع دادند و از این نامه جز امام و شخص آقای مهندس بازرگان و حاج احمد آقا کسی با خبر نبود. آیا ارسال این نامه همان استرداد شاه ولی بدست و پای خودش نبود؟..."

آیا در ارسال نامه ای که به منظور حفظ منافع انقلاب و با اطلاع و تایید امام ارسال شده است جرم و جنایتی به وقوع پیوسته است؟

۳- "در تمام دوره در جنگ تا آن لحظه‌ای که احتمال می‌دادند که ایران پیروز شود عراق در این نزدیکی‌ها بود خیلی حرف نمی‌زدند. از آن لحظه‌ای که عملیات فتح‌المبین، بیت‌المقدس و اینها تمام شد و آخرش این که خرمشهر، را فتح کردیم... شروع کردند اخلاص‌گری که این جنگ آدم کشی است مسلمان با مسلمان..."

نهضت آزادی ایران مستمراً جنگ تدافعی را مشروع و مورد رضایت باریتعالی و جنگ تهاجمی را ناروا و بر خلاف تعلیمات اسلامی دانسته به کرات اعلام داشته است بر این پایه پیروزیهائی از قبیل فتح‌المبین و فتح خرمشهر، عملیاتی مشروع تلقی نموده و در این زمینه به سپاه، ارتش، فرماندهی و ملت تبریک گفته

۲. صفحاتی از تاریخ معاصر ایران، جلد ۱۱ صفحه ۱۶، چاپ اول، تابستان ۱۳۶۲.

۳. روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۶۵/۷/۱۲

است. پس از فتح خرمشهر نمایندگان نهضت در مجلس با رئیس مجلس ملاقات کردند و پس از ابراز مسرت از پیروزیهای فرزندان برومند کشور جویای سیاست جنگی شدند و هنگامی که رئیس مجلس اظهار داشتند که امام و خود ایشان معتقد به خودداری از تعقیب دشمن و تجاوز به خاک عراق می‌باشند این نظر را تایید نمودند. دلائلی آوردند که ورود ما به خاک عراق کلیه شرایط نظامی، سیاسی، روانی و دینی را دگرگون خواهد ساخت. در صورتی که اگر جنگ با فتح خرمشهر پایان یابد شکست صدام در خرمشهر موجب بی‌آبرویی وی در عراق و منطقه شده ناچار خواهد شد استعفا و احتمالاً انتحار کند و اگر هم چنین نکرد مردم عراق به حسابش خواهند رسید.

در قطعنامه چهارمین کنگره نهضت (کنگره شهید چمران، آبان ۱۳۶۰) آمده است:

”نهضت آزادی ایران جنگ تجاوزکارانه عراق علیه ایران را محکوم کرده... و دفاع کامل از استقلال و تمامیت ارضی کشور و تجهیز و تمرکز تلاشها و نیروهای ملی را برای پیروزی در جنگ نا اخراج متجاوزین واجب و ضروری می‌داند“<sup>۱</sup>

نهضت آزادی ایران نه تنها در بیانیه‌ها، اطلاعیه‌ها و مقالات زیادی که در روزنامه میزان منتشر شده است حمایت و تشویق خود را در دفاع از ایران و اسلام و رزمندگان ابراز داشته بلکه با بازدیدهایی از جبهه و مجروحین و کمک‌های مالی تاییدکننده و تحسین‌کننده مدافعین جان بر کف اسلام و ایران بوده است.

ما مکرراً در نشریات و سخنرانی‌هایمان نوشته و گفته و حتی در پیام نهضت آزادی به رهبر انقلاب اسلامی ایران تکرار نموده‌ایم که ”اگر ما برای دفاع از آیین و آب و خاک و استقلال خود و برای بیرون راندن دشمن متجاوز تا آخرین نفر و نفس بجنگیم و هرچه داریم قربانی دهیم عملمان مطابق شرع و قانون و انسانیت و منطبق با حقوق بین‌المللی است و پیش خدا و خلق و وجدان خودمان نیز مأجور سربلند خواهیم بود.“

ولی پس از پیروزی قاطع در خرمشهر و مبادرت حمله به عراق به نظر ما جنگ از صورت تدافعی خارج شده و شکل تهاجمی گرفت و اختلاف ما با گردانندگان جنگ از همین نقطه آغاز شد.

ما به پیروی از مکتب تشیع جنگ ابتدائی در زمان غیبت امام معصوم را عملی ناروا و خلاف رضای خدا می‌دانیم. بویژه که این غائله جنگ مستضعف با مستکبر نیست بلکه جنگ میان دو ملت مستضعف است که به اعتراف رئیس مجلس و رئیس جمهور به دست استکبار جهانی آغاز شده است و به خواست مستکبرین ادامه می‌یابد. سؤالی که برای ما و بسیاری از مردم مطرح است این است که آیا سرسختی ما استکبار جهانی را به لرزه درآورده است یا شیطنت و توطئه آنان از خاموش شدن طبل جنگ جلوگیری نموده و دو ملت مسلمان را به ادامه خونریزی تشویق نموده است؟

ما مکرراً دیده‌ایم که با بروز آثار یأس و ضعف در یکی از دو طرف استکبار جهانی با مقالاتشان و با رادیوهای فارسی و عربیشان به تحسین و تشویق روحی یا به تحکیم و تقویت قدرت نظامی ایران یا عراق می‌پردازند تا این آتش خانمانسوز شعله‌ور بماند.

برای آنکه تنور جنگ مستمراً داغ باشد و با تمام شدت و وحشت (برای ما) و خیر و برکت (برای آنها)

۱. جزوه مواضع نهضت صفحه ۲۳ - انتشارات نهضت آزادی ایران.

این بلای خانمانسوز ادامه پیدا کند چه هدف و بهانه و وسیله‌ای بهتر از ابداع و اعتقاد شعار جنگ، جنگ تا پیروزی می‌توانست منظور آنان را تأمین کند.

برای ما روشن نیست که دست‌اندرکاران جنگ که آن را از ابتدا تحمیلی اعلام نموده و خبر از نقشه‌های شیطانی استکبار جهانی و نفع آن در این غائله داشته‌اند و خود را موظف و مصمم برای رفع فتنه و شر امپریالیسم می‌دانسته‌اند چرا با تمام قوی در صدد خاتمه دادن به این جنگ لعنتی برنیامده‌اند و از قبول اصولی صلح و حتی از بحث و طرح و تصحیح پیشنهادات در این جنگ خودداری ورزیده‌اند و پیشنهاد ما را که به منظور اقدام برای پایان عادلانه و شرافتمندانه جنگ آن هم در زمانی که ایران موضعی قوی و دست بالا دارد، داده شده بود خواسته و ساخته دشمنان قلمداد نموده‌اند؟

۴- شما چه می‌گویید دیگر چه کاری می‌توانیم بکنیم پیشنهاد چیست؟ پیشنهاد این است که الان جنگ را ول کنیم؟

باور کردنی نیست که آقای رفسنجانی که مسئولیت عضویت و سخنگویی شورایی عالی دفاع را بر عهده دارند از پیشنهادات ما که در نشریه "پایان عادلانه جنگ بی‌پایان" در تاریخ اول دی ماه ۱۳۶۴ عرضه داشته‌ایم بی‌اطلاع باشند.

در اینجا برای آنکه اتمام حجت شود و سؤال ایشان در این نشریه بی‌جواب نماند پیشنهادات خود در زمینه پایان دادن به جنگ را عیناً از آن نشریه نقل می‌کنیم:

۱- پایان جنگ هدف اصلی قرار گیرد.

۲- در سیاست خارجی و تبلیغات جنگی تجدیدنظر به عمل آید و روی صلح‌طلبی و عدم مداخله ایران در امور داخلی سایر کشورها تأکید شود.

۳- شرایط عادلانه ایران برای پایان جنگ و خصومت‌ها به ترتیب زیر اعلام شود:

۱-۳- عراق به عنوان آغازگر جنگ در سازمان ملل متحد محکوم گردد.

۲-۳- یک هیأت کارشناس بین‌المللی مورد قبول طرفین خسارات و ضایعات را تعیین نماید.

۳-۳- عراق ملزم به پرداخت خسارات و ضایعات جنگ علیه ایران باشد.

۴-۳- کلیه اسرای جنگی دو طرف آزاد گردند.

۵-۳- یک حاشیه استحقاقی برای مدتی معین در داخل خاک عراق زیر نظارت نیروهای حافظ صلح سازمان ملل قرار گیرد.

۶-۳- نیروهای ایران به پشت مرزهای بین‌المللی قبل از آغاز جنگ و نیروهای عراق به پشت حاشیه استحقاقی فوق‌عقب‌نشینی کنند.

۴- دیپلماسی ایران در جهت شرایط فوق‌فعال گردد.

۵- نیروهای رزمنده ایران تا هنگام دستیابی به صلح عادلانه و پایداری در طول جبهه‌ها ابقاء و تقویت گردند و به طور کلی برای پیشگیری هرگونه تجاوزات بعدی و دور نگاهداشتن دشمنان نیروی نظامی و خودکفائی ما در حداکثر توانمان مجهز و مسلط شود.

پیشنهادات ما بر پایه موازین قرآنی و اسلام و حقوق بین‌المللی بنا شده و به استثناء روح انتقام‌جویی با پیشنهاد آقای رفسنجانی در خطبه اخیر که "اگر در عراق حکومتی بود که ما قبولش نداشتیم لااقل دیگر با او جنگ نداریم و او هم با ما جنگ ندارد آنها برای خودشان و ما هم برای خودمان" کاملاً تطابق دارد. ما از اول بعد از شکست عراق و صدام و خارج شدن از مرزهای ایران و پیش از آنکه "حرث و نسل" کشور عزیزمان ایران به هلاکت افتد و جوانان شهید و شهرها ویران گردد همین را می‌گفتیم ولی هدف تهمت‌هایی از قبیل دلسوزان دروغین انقلاب، دشمن حزب‌اللهی‌ها اشک تمساح ریزان و... قرار می‌گرفتیم.

\*\*\*

نکته‌ای را که لازم می‌دانیم در این مقام اضافه کنیم این است که کسی که حرف حسابی داشته و در مسائلی به عظمت و پیچیدگی جنگ حق تفکر و تذکر برای مردم ایران بویژه صاحب‌نظران قائل باشد و خود را پای‌بند حدود اخلاقی و قانونی بداند نیازی ندارد که در خطبه مقدس نماز جمعه جوسازی و تهمت‌پراکنی و دروغ‌پردازی کند و با به کارگیری جملات و کلمات مبهم ناجوانمردانه بکوشد تا مخالفان سیاسی خود را سرکوب نماید. اعمال این روش‌های نامشروع و به کار بردن نسبت‌هایی از قبیل "ظاهر الصلاح‌ها" "خناس‌ها"، "منافق واقعی" صرفنظر از قصد و هدف آقای هاشمی دامن ما را نمی‌گیرد و ضرری به ما نمی‌رساند. زیرا مردم ایران و بسیاری از آزاداندیشان جهان نهضت را خوب می‌شناسند. زیان این کارها متوجه آقای هاشمی و روحانیت ایران است و نتیجه آن پایین آوردن منزلت و مقام اسلام، مراسم عبادی سیاسی نماز جمعه، نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی ماست. استفاده از جوسازی و هوچیگری، به جای جدال احسن و ارائه برهان، از سوی کسی که همه امکانات دولتی را در اختیار دارد، معنایی جز سلب آزادی و اعمال استبداد دولتی نمی‌تواند داشته باشد.

اگر آقای هاشمی رفسنجانی از خر شیطان قدرت و توسن سرکش غرور و خصومت پیاده شوند به جای جوسازی و تهمت‌پراکنی و فحاشی، واقعیت اوضاع کشور را به اطلاع مردم برسانند و برای اندیشه و تشخیص و خواست و نظر آنان ارزش و اهمیت قائل باشند از تشبث به این گونه روش‌ها بی‌نیاز خواهند گشت و آبروی روحانیت و نماز جمعه و اسلام را به ثمن بخش نخواهند فروخت.

اللهم اجعل عواقب امورنا خیرا

نهضت آزادی ایران

۲۰ مهر ماه ۱۳۶۵